



Application of Rhetoric Techniques in Surah "al Buruj" Based on Two Works of Khatib Qazvini

Muhammad Anwar Asghari¹, and Muhammad Ghorbanzadeh²

1. *Corresponding Author*, Department of Qur'an and Sciences, Al-Mustafa International University, Khorasan Branch, Mashhad, Iran. Email: moalima1358@gmail.com
2. Assistant Professor at Department of Quran and Sciences, Al-Mustafa International University, Khorasan Branch, Mashhad, Iran. Email: m_ghorbanzadeh@miu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received
05 April 2025
Received in revised form
15 May 2025
Accepted
20 June 2025
Available online
01 July 2025

Keywords:

innovative techniques,
verbal innovation,
spiritual innovation,
Surah Buruj,
Khatib Qazvini

ABSTRACT

The Holy Qur'an was revealed to the Holy Prophet with the utmost eloquence and rhetorical standards, and it is full of rhetorical secrets, which itself is one of the miracles of the Qur'an. At the time of revelation of the Holy Qur'an, understanding the order and beauty of the revealed verses was based on natural understanding, because the early audiences of the Qur'an had good taste and eloquence. From the second and third centuries (AH), with the establishment of rhetoric, this natural perception turned into a professional perception. The knowledge of rhetoric flourished in the 7th and 8th centuries (AH) by Sakkaki and Khatib Qazvini, and it was divided into three branches: "Ma'ani", "Bayan" and "Bad'i", each of which is for understanding a dimension of speech delivery; "Bad'i" is for beautifying the words. Considering the role of *Bad'i* in the aesthetics of the verses of the Holy Qur'an, the question of research is how many *Bad'i* techniques are used in the verses of Surah al Buruj? What is the ratio of the use of verbal and spiritual arts in the verses of this surah? And which is the most used of them in the verses of this surah? The scope of the research is the *Bad'i* techniques recorded in the two original and important rhetorical works of Khatib Qazvini, that is, "Talkhis al-Meftah" and "Al-Idah". The current research was conducted with the descriptive research method, based on relating details to general propositions with the aim of answering the above questions. The findings of the research show that nineteen of *Bad'i* techniques recorded in two works of Khatib are evident in the verses of Surah al-Buruj. The proportion of usage of verbal arts in this surah is higher than spiritual arts. The most used arts in this surah are two arts, "*Fasilah*" and "*Tebaq*". The manifestation of all these *Bad'i* beauties in only 22 relatively short verses is a sign of the ultimate beauty of this surah.

Cite this article: Asghari, M. A., & Ghorbanzadeh, M. (2025). Application of Rhetoric Techniques in Surah "al Buruj" Based on Two Works of Khatib Qazvini. *Literary Arrays of the Qur'an*, 1(2), 25-40. <https://doi.org/10.22034/aaq.2023.7309>





شاپا چاپی: ۲۹۸۱-۲۱۸۶

آرشیو ادبیات

شاپا پرخط: ۲۹۸۱-۲۱۹۴

Homepage: aaq.journals.miu.ac.ir



کاربرد فنون بدیعی در سوره «بروج» بر اساس دو اثر خطیب قزوینی

محمد انور اصغری^۱، و محمد قربان زاده^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه قرآن و علوم جامعة المصطفی العالمية نمایندگی خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: moalima1358@gmail.com

۲. استادیار گروه قرآن و علوم جامعة المصطفی العالمية نمایندگی خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: m_ghorbanzadeh@miu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ کلیدواژه‌ها: فنون بدیعی، بدیعی لفظی، بدیعی معنوی، سوره بروج، خطیب قزوینی	قرآن کریم در نهایت فصاحت و بلاغت بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است و مملو از اسرار بلاغی است که خود یکی از وجوه اعجاز قرآنی است. در زمان نزول قرآن کریم، ادراک نظم و زیبایی های آیات وحی بر اساس فهم فطری بود، زیرا مخاطبان اولیه قرآن صاحب ذوق سلیم و فصاحت و بیان بودند. از قرن دوم و سوم با تأسیس علوم بلاغت، این ادراک فطری به ادراک علمی مبدل گشت. علم بلاغت در قرن هفتم و هشتم توسط سکاکی و خطیب قزوینی به شکوفایی و بالندگی رسید و به سه علم «معانی»، «بیان» و «بدیع»، تفکیک گردید که هر کدام برای فهم بعدی از رسایی کلام است؛ همان طور که علم بدیع، برای زیانگری کلام است. با توجه به نقش علم بدیع در زیبایی شناسی آیات قرآن کریم، مسئله تحقیق این است که چه تعدادی از فنون بدیعی، در آیات سوره مبارکه بروج به کار رفته است؟ نسبت کاربرد صنایع لفظی و معنوی در آیات این سوره چگونه است؟ و پر کاربردترین آن ها در آیات این سوره کدام است؟ قلمرو تحقیق، فنون بدیعی مدون در دو اثر بلاغی اصیل و مهم خطیب قزوینی، یعنی «تلخیص المفتاح» و «الایضاح» می باشد. تحقیق حاضر با روش تحقیق توصیفی، مبتنی بر ارتباط دهی جزئیات به گزاره های کلی باهدف پاسخ به پرسش های فوق صورت گرفته است. یافته های تحقیق نشان از این دارد که نوزده فن از فنون بدیعی مدون در دو اثر خطیب، در آیات سوره بروج مشهود است. نسبت کاربرد، صناعات لفظی در این سوره از صناعات معنوی، بیشتر می باشد. پر کاربردترین صنعت در این سوره، دو صنعت، «فاصله» و «طباق» است. تجلی این همه زیبایی بدیعی در ۲۲ آیه نسبتا کوتاه، نشانه اوج زیبایی این سوره است.

استناد: اصغری، محمد انور؛ قربان زاده، محمد (۱۴۰۴). کاربرد فنون بدیعی در سوره «بروج» بر اساس دو اثر خطیب قزوینی. *آراییه های ادبی قرآن*، (۲۱)، ۴۰-۲۵. <https://doi.org/10.22034/aaq.2023.7309>



© نویسنده (گان).

ناشر: جامعه المصطفی العالمية.



مقدمه

قرآن کریم در نهایت فصاحت و بلاغت بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است؛ تا مرتبه‌ای که به دلیل رسایی و شیوایی کلام الهی، دیگران از آوردن عباراتی شبیه آن عاجز ماندند. افرادی که در مقام تحدی برخاستند، همگی از عمل خود عاجز ماندند و این دلیل کامل و روشن است که نظم در قرآن کریم در پرتو ترکیب صحیح کلمات و اصطلاحات با یکدیگر می‌باشند و کلام الهی مملو از اسرار بلاغی است که خود یکی از وجوه اعجاز قرآنی است.

در زمان نزول قرآن کریم، ادراک معانی، نظم، ظرافت و زیبایی‌های آیات وحی برای صاحبان درک و فهم فطری بود، زیرا آنان صاحب ذوق سلیم و فصاحت و بیان بودند. از قرن دوم و سوم این ادراک فطری به ادراک علمی مبدل گشت، زیرا علوم بلاغت تأسیس گردید و کتب با نام معانی القرآن، مجاز القرآن، غریب القرآن و نظم القرآن به رشته تحریر در آمد. این روند علمی شدن بلاغت، روزه‌روز رونق گرفت. در قرن پنجم، ابن‌سنان خفاجی کتاب «سرّ الفصاحه» را تدوین نمود و شیخ عبدالقاهر جرجانی با کتاب «دلائل الاعجاز و اسرار البلاغه» علم معانی و بیان را بنیان نهاد. در قرن ششم زمخشری در «الکشاف» به نکات بلاغی پرداخت. منتهی از بدو تأسیس تا پیش از قرن هفتم، حد و مرز علوم بلاغی دقیق مشخص نبود. در قرن هفتم سراج‌الدین سکاکی نخستین کسی بود که علوم بلاغی را به سه قسم «معانی»، «بیان» و «بدیع» تقسیم و حد و مرز هر کدام را مشخص کرد؛ پس از سکاکی در قرن هشتم، خطیب قزوینی انواع فنون بدیعی را تحت اسم «محسنات» مطرح نموده و آن را به محسنات لفظی و معنوی تقسیم کرد. بنابراین علم بلاغت در قرن هشتم به اوج شکوفایی رسید و به سه علم معانی، بیان و بدیع، تفکیک گردید که هر کدام علمی، برای فهم رسایی کلام است.

از جمله، علم بدیع، دانشی، برای زیبانگاری کلام است. زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم خود یک بخش از اعجاز بیانی قرآن کریم است. بنابراین با توجه به نیاز ادراک علمی زیبایی‌شناسی ادبی قرآن کریم، وسیله علمی برای این مهم، «دانش بدیع» است. «بدیع» فنون و صنایعی دارد که به کارگیری آن‌ها به زیبایی کلام می‌انجامد و این زیبایی با آگاهی از آن فنون، ادراک می‌گردد.

باتوجه به نقش علم بدیع در زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم، مسئله تحقیق این است که چه تعدادی از فنون بدیعی، در آیات سوره مبارکه بروج به کار رفته است؟ نسبت کاربرد صنایع لفظی و معنوی در آیات این سوره چگونه است؟ و پرکاربردترین آن‌ها در آیات این سوره کدام است؟ از آنجا که در کتاب‌های بلاغی در مورد تعداد صنایع بدیعی، ارقام، واحدی وجود ندارد، بلکه آمار متفاوتی برشمرده شده است. قلمرو این تحقیق، فنون بدیعی مدون در دو اثر بلاغی اصیل و مهم خطیب قزوینی، یعنی «تلخیص المفتاح» و «الایضاح» می‌باشد که در دو بخش بررسی شده است.

۱. پیشینه تحقیق

خوشبختانه در مورد اعجاز بیانی قرآن کریم به صورت عموم، کتاب‌های زیادی تدوین شده است و در خصوص بررسی فنون بدیعی در قرآن کریم، نیز آثار کتبی متعدد، نسبت به کل قرآن یا در خصوص آیات برخی از سوره‌های قرآن تدوین گشته است. از جمله آثاری که به بررسی فنون بدیعی در قرآن کریم پرداخته است، مقالات ذیل است:

۱. «نمونه‌های لفظی بدیعی در قرآن»، مقاله هوشمند اسفندیارپور (فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ش ۲۹، بهار ۱۳۹۰). در این مقاله، یازده فن از فنون لفظی بدیعی شامل «جناس سجع»، «ترصیع»، «موازنه»، «قلب»، «اعنات»، «تصدیر»، «عکس»، «تشابه الاطراف لفظی»، «تصحیف» و «تکرار با روش کیفی، توصیفی» در قرآن کریم که جامعه آماری کلیه آیات قرآن است و ذکر نمونه آیاتی که فنون بدیعی آن‌ها آشکار است، بررسی شده است. نتیجه تحقیق این شده است که از میان فنون لفظی بدیعی به کار رفته در قرآن کریم، بسامد «سجع» و «جناس» از همه بیشتر است و زیباترین سجع در قرآن کریم، «سجع متوازی» است.

۲. «سبک‌شناسی محسنات معنوی در سوره نساء»، مقاله هادیلو و همکاران (نشریه عیون، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳). در این مقاله با نگاه سبک‌شناسی، فنون معنوی بدیعی در سوره نساء بررسی شده است. نتیجه این تحقیق شامل سه مطلب است:

أ) سبک‌شناسی غیر از نکات بلاغی است و از نکات بلاغی کمک می‌گیرد.

ب) تفسیر آیات سبک‌شناسی ناممکن است.

ج) از فنون بدیعی معنوی ۹ فن «طباق»، «مقابله»، «توریه»، «مراعات نظیر»، «مشاکله»، «جمع»، «تفریق»، «تقسیم» و «تقسیم با جمع و تفریق» در آیات سوره نساء به کار رفته است.

۳. «بدیع در آینه قرآن»، مقاله حسن خرقانی (نشریه علوم و معارف قرآنی، ش ۲، تابستان ۱۳۷۵). نویسنده در این تحقیق از فنون بدیعی، جناس و اقسام جناس در قرآن کریم را بررسی نموده است.

۴. «نقش هنر سازه‌های بدیعی در تعجب‌برانگیزی مخاطب در سوره‌های مکی با تکیه بر نقد فرمالیسم روسی» (مطالعه موردی، سوره بروج و غاشیه)، مقاله حسین یسانی و الیاس مخمی (مجله علمی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۳۶، پاییز ۱۳۹۴). در این مقاله فنون و صنایع بدیعی با تعبیر هنر سازه‌های ادبی که در ادبیات روسی و انگلیسی مطرح است، به دو دسته هنر سازه‌های مفید و غیر مفید تقسیم گردیده و در آیات سوره بروج و غاشیه (سوره‌های مکی) بررسی شده و به دو نتیجه رسیده است؛ یکی اینکه سوره‌های مکی به علت کوتاهی آیات و هماهنگی حروف پایانی فواصل از موسیقی زیبا و دلنشینی بهره مند شده‌اند، دیگر اینکه این زیبایی‌ها و دلنشینی‌ها در این نوع سوره‌ها به وسیله وجود هنر سازه‌های مفید شکل گرفته است.

با دقت در تحقیقات نامبرده در مورد فنون بدیعی، می‌توان دریافت که تحقیق حاضر از جهات مختلف از جمله از جهت قلمرو فنون بدیعی و مطالعه موردی با تحقیقات انجام شده متفاوت است.



۲. مفهوم‌شناسی واژه «بدیع»

واژه «بدیع»، در لغت به معنی پدید آورنده، نوآورنده و نیز به معنی نوآورده شده و جدید، و در اصطلاح، شاخه‌ای از علوم بلاغت است که در آن از زیبایی‌های الفاظ و آرایش نیکوی سخن بحث می‌شود. به تعبیر دیگر، دانش بدیع، مجموعه شگردهایی است که کلام عادی را تبدیل به کلام ادبی می‌کند و یا کلام ادبی را به سطح والاتری از ادبی بودن یا سبک ادبی داشتن تعالی می‌بخشد. خطیب قزوینی، در تعریف علم بدیع می‌نویسد: «بدیع علمی است که با آن، انواع زیباسازی کلام شناخته می‌شود و به دو گونه معنوی و لفظی می‌باشد». (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۵۶)

در بدو تأسیس، از این شگردهای بدیعی به «محسنات بدیعی» تعبیر می‌شد، ولی اکنون از آن‌ها به فنون بدیعی و صنایع بدیعی و گاهی هم به آرایه‌های ادبی تعبیر می‌گردد، که البته آرایه‌های ادبی عام است و شامل گزاره‌های دانش معانی و بیان نیز می‌شود. با توجه به اطلاق فنون بدیعی و صنایع بدیعی به «محسنات بدیعی»، در این تحقیق از دو واژه فنون بدیعی و صنایع بدیعی، استفاده شده است.

۳. شناسه پژوهشی

آیات قرآنی مورد مطالعه این تحقیق، آیات سوره بروج می‌باشد. سوره بروج از سوره‌های مکی است که از نظر ترتیب سوره‌های قرآنی، هشتاد و پنجمین سوره و از نظر ترتیب نزول، بیست و هفتمین سوره می‌باشد و در جزء ۳۰ قرآن کریم قرار گرفته است. سوره مبارکه بروج تعداد ۲۲ آیه دارد که شامل ۱۵۷ کلمه و ۴۶۷ حرف می‌باشد.

در مورد تعداد صنایع بدیعی، در کتاب‌های بلاغی، ارقام، واحدی وجود ندارد، بلکه آمار متفاوتی بر شمرده شده است. از این رو قلمرو این تحقیق، فنون بدیعی مدون در دو اثر بلاغی خطیب قزوینی، یعنی «تلخیص المفتاح» و «الایضاح» می‌باشد، زیرا این دو اثر از منابع اصیل و مهم در فنون بدیعی است. نام مؤلف دو اثر نامبرده، محمد بن عبدالرحمن مشهور به خطیب قزوینی است. خطیب در ماه شعبان سال ۶۶۶ هـ.ق. در موصل به دنیا آمده است و در جمادی الاولی ۷۳۹ هـ.ق. در سن ۷۳ سالگی در دمشق وفات نموده است. قزوینی شافعی مذهب، ادیب، نظریه‌پرداز در بلاغت، قاضی القضاات در مصر و شام و خطیب جمعه و جماعت در شام، در سده‌های ششم و هفتم بوده است.

خطیب قزوینی نخستین دانشمند بلاغی است که پس از سکاکی، به صورت دقیق به بسط و تبیین مباحث بدیع پرداخته است. خطیب بر کتاب مفتاح العلوم سکاکی شرحی به نام «تلخیص المفتاح» نوشت که سیوطی آن را به نظم در کشید و نام «عقود الجمان» بر آن نهاد (ابن خلدون، ۲۰۰۴م: ۲۵۲) و کتاب دیگرش الایضاح فی علوم البلاغة می‌باشد.

بر اساس اعتراف برخی از محققان در علم بلاغت، این دو اثر بلاغی خطیب، از مهم‌ترین کتاب‌ها در علم بلاغت است، زیرا از یک سو ارای نقد محققانه برخی دیدگاه‌های بعضی از صاحب نظران گذشته مانند عبدالقاهر جرجانی و سکاکی است و از سوی دیگر کتاب‌های بلاغی که بعد از خطیب تدوین شده است،

نوعاً تکراری‌اند و منبع اصلی آن‌ها بیشتر دو کتاب بلاغی خطیب است. از این‌رو قلمرو این تحقیق، فنون بدیعی مدوّن در دو اثر بلاغی خطیب، انتخاب شده است.

خطیب فنون بدیعی را تحت عنوان «محسنات» به دو دسته «محسنات لفظی» و «محسنات معنوی» تقسیم نموده است. تعداد فنون لفظی در تلخیص المفتاح و الايضاح شش فن است که عبارت‌اند از:

۱. سجع؛

۲. جناس؛

۳. ردّ العجز علی الصدر؛

۴. اعنات (الترام)؛

۵. موازنه؛

۶. تشریح.

اما تعداد فنون معنوی بدیعی در دو اثر خطیب، ۳۴ صنعت است که عبارت‌اند از:

۱. طباق، ۲. مقابله، ۳. مراعات نظیر، ۴. تشابه الاطراف، ۵. ارضاء، ۶. عمشاکله،

۷. استطراد، ۸. مزاجه، ۹. رجوع، ۱۰. توریه، ۱۱. استخدام، ۱۲. لف و نشر، ۱۳. جمع، ۱۴. تفریق، ۱۵.

تقسیم، ۱۶. جمع مع تفریق، ۱۷. جمع مع تقسیم، ۱۸. جمع مع تفریق و تقسیم، ۱۹. تجرید، ۲۰. مبالغه

مقبوله، ۲۱. مذهب کلامی، ۲۲. حسن تعلیل، ۲۳. تفریع، ۲۴. تاکید مدح بما یشبه الذم، ۲۵. تاکید الذم بما

یشبه المدح، ۲۶. استنباع، ۲۷. ادماج، ۲۸. توجیه، ۲۹. تجاهل عارف، ۳۰. القول بالمجیب، ۳۱. اطراد، ۳۲.

ترصیع، ۳۳. التفتات و ۳۴. الهزل الذی یراد به جد.

با توجه به آمار فوق، مجموع فنون بدیعی مدوّن توسط خطیب قزوینی در دو کتاب «تلخیص المفتاح»

و «الایضاح»، ۴۰ صنعت هستند.

روش این پژوهش، روش تحقیق توصیفی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با هدف پاسخ به

پرسش‌های تحقیق که در مقدمه مطرح گردید، در ضمن پیمودن سه مرحله ذیل انجام گرفته است:

۱. در مرحله اول فنون بدیعی با تکیه بر دو اثر بلاغی خطیب، جمع‌آوری، مفهوم‌شناسی و دسته‌بندی

شده است.

۲. در مرحله دوم هر کدام از فنون بدیعی از باب تطبیق قواعد کلی بر جزئیات در آیات سوره بروج

مصادق‌یابی گردیده و در صورت کاربرد، مورد و یا موارد آن‌ها، یادداشت شده است.

۳. در مرحله سوم، فنون به کار رفته در دو بخش تنظیم و تبیین شده و ارقام کاربرد فنون هر بخش

در پایان آن جهت نشان دادن تعداد کاربرد در جدول مربوطه قرار داده شده است و در نهایت، بر اساس

آن، نتیجه‌گیری صورت گرفته و پاسخ پرسش‌های تحقیق به دست آمده است.

۴. فنون بدیعی

در آنچه گذشت، یاد شد که فنون بدیع، به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌شود. در فنون لفظی بازگشت

زیباسازی، به لفظ است و معنی نیز، پیرو آن، نیکو می‌شود و در فنون معنوی، بازگشت زیباسازی، به معنی



است و لفظ نیز، پیرو آن، نیکو می‌شود. اینک کار برد تعداد فنون بدیعی در آیات مبارکه سوره بروج با توجه به فنون بدیعی مدون در دو اثر خطیب قزوینی در دو بخش، فنون لفظی بدیعی به کار رفته در سوره بروج و فنون معنوی به کار رفته در سوره بروج، بررسی می‌گردد.

۵. فنون لفظی بدیعی به کار رفته در سوره بروج

قبلاً یاد شد که فنون لفظی بدیعی در هر دو کتاب «الایضاح» و «تلخیص مفتاح خطیب» در مجموع، شش فن «سجع»، «جناس»، «رد العجز علی الصدر»، «اعنات (التزام)»، «موازنه» و «تشریح» می‌باشد. با توجه به این فنون ششگانه مدون در دو اثر خطیب، کاربرد پنج فن از آن‌ها آن هم برخی به دفعات، در آیات سوره بروج مشاهده می‌شود.

۵. ۱. سجع (فاصله)

سجع یا تسجیع آن است که کلمات آخر قرینه‌ها از حیث وزن یا حرف روی و یا هر دو، یکی باشند و بر سه نوع «متوازی»، «مطرف» و «متوازن است». (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۹۷) به کلامی که با سجع بیان شود مُسَجَّع و به جمله‌های همانند قرینه گفته می‌شود. سجع در قرآن، «فاصله» نامیده شده است که نشانه آهنگین بودن آیات است.

أ) سجع متوازی، آن است که کلمات در وزن و حرف روی، هر دو، متفق باشند. مانند: دو واژه (کار/ بار) در فارسی و دو کلمه (قعود/سجود) در عربی؛
ب) سجع مُطَرَف، آن است که واژگان در حرف روی، متفق، ولی در وزن، مختلف باشند؛ مانند: دو واژه (کار/شکار) در فارسی و دو کلمه (وقار/ اطوار) در عربی؛
ج) سجع متوازن، آن است که کلمات قرینه، در وزن، متفق، ولی در حرف روی، مختلف باشند؛ مانند دو واژه (کام/کار) و دو کلمه (مستبین/ مستقیم) در عربی.
تمامی اقسام سجع در سوره مبارکه بروج به قرار ذیل به کار رفته است:

۱. سجع متوازی سه مورد:

أ) موعود/ مشهود/ اخدود

ب) وقود/قعود/ شهود/ ودود/ جنود/ ثمود

ج) حمید/ شهید/ شدید/ یعید/ یرید.

۲. سجع مطرف یک مورد: اخدود/ وقود

۳. سجع متوازن شش مورد:

أ) شهود/ حمید

ب) عزیز/ حمید

ج) شهید/ حریق

د) کبیر/ شدید

هـ) غفور / ودود

و) محیط / مجید.

۵. ۲. جناس

جناس آن است که کلمات از حیث حروف و یا حرکات به صورت کامل یا تقریباً مانند هم هستند، اما معنای آن‌ها متفاوت است؛ اختلاف معنای کلمات نیز از قرینه فهمیده می‌شود.

جناس اقسام متعدد دارد؛ در سوره مبارکه بروج از میان اقسام جناس سه قسم جناس «اشتقاق»، «مردوف» و «لاحق» به کار رفته است.

أ) جناس اشتقاق آن است که در آیه یا عبارتی کلمات متشابه آورده شوند که هم ریشه باشند. (تفتازانی، ۱۳۸۶: ۴۶۴) در سوره بروج واژه‌های شاهد، مشهود، شهود و شهید، به کار گرفته شده‌اند و هم‌ریشه هستند.

ب) جناس مردوف آن است که از یکی از کلمات هم‌جنس یک حرف بیشتر از بقیه داشته باشد و آن حرف زاید در اول کلمه باشد، مانند دو واژه «حال» و «محال». (تفتازانی، ۱۳۸۶: ۴۶۶) جناس مردوف در سوره بروج میان «شهود» و «مشهودم» برقرار است.

ج) جناس لاحق آن است که کلمات متجانس در یک حرف در اول و یا در وسط با هم اختلاف دارند و آن حروف قریب المخرج نیستند. (تفتازانی، ۱۳۸۶: ۴۶۳) در سوره بروج دو کلمه «شهید» و «شدید» جناس لاحق دارند.

۵. ۳. ردّ العجز علی الصدر

«تصدیر» یا «ردّ العجز علی الصدر»، در این فن، واژه‌ای که در آغاز جمله یا شعر آمده است، عیناً یا با تفاوت اندکی در آخر آن تکرار می‌شود. (تفتازانی، ۱۳۸۶: ۴۶۶) این فن در سوره بروج یک مورد به کار رفته است؛ آیه دوم سوره بروج با واژه «شاهد» شروع می‌شود و با واژه «مشهود» به پایان می‌رسد؛ (و شاهدٍ و مشهود). (بروج: ۲)

۵. ۴. التزام (اعنات)

«التزام» آن است که حرف یا حروفی در آخر یک قرینه قبل از روی بیاید که در قرینه دیگر قبل از روی تکرار گردد. (تفتازانی، ۱۳۸۶: ۴۸۰) فن التزام در قرآن کریم به وفور به کار رفته است؛ به عنوان نمونه:

– حرف «و» در واژه «مخضود» و «منضود» در آیه ۲۸ و ۲۹ سوره واقعه: (فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ). (واقعه: ۲۸-۲۹)

– حرف «ن» در دو واژه «خنس» و «کنس» در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره تکویر: (فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَسِ الْجَوَارِ الْكُنَسِ). (تکویر: ۱۵-۱۶)

– حرف «س» در دو واژه «وسق» و «اتسق» در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره انشقاق: (و اللَّيْلِ وَ مَا وَسَقَ وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ). (انشقاق: ۱۷-۱۸)



حرف «ه» در دو واژه «تقهر» و «تنهر» در آیه ۹ و ۱۰ سوره ضحی: (فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ). (ضحی: ۹-۱۰)

به خاطر رعایت فن التزام تکرار گردیده است. فن التزام، در آیات سوره بروج نیز دو مورد وجود دارد:

۱. تکرار حرف «و» پیش از حرف «د» در واژه‌های موعود/ مشهود/ اخدود/ وقود/ قعود/ شهود؛

۲. تکرار حرف «ی» پیش از حرف «د» در واژه‌های شهید/ حمید/ یعید.

۵. موازنه

«موازنه» در قرآن کریم نوعی از فواصل است که علاوه بر آخر قرینه‌ها، کلمات قبل از آن‌ها دو به دو از حیث وزن یکی است، اما از حیث حرف روی با هم فرق دارند؛ مانند واژه «نمارق» و «زرابی» در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره غاشیه: (وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ وَزُرَابِي مَبْثُوثَةٌ). (غاشیه: ۱۵ و ۱۶). (تفتازانی، ۱۳۸۶: ۴۷۵)

فن موازنه در سوره بروج به کار رفته است و یک مورد دارد؛ سه واژه «شیء»، «فوز» و «عرش»، پیش از کلمه آخر قرینه در وزن متفق و در حرف روی با هم فرق دارند.

جدول (۱): تعداد فنون بدیعی لفظی در سوره بروج					
رقم	صنعت	انواع	کاربرد	رقم	صنعت
۱	سجع	متوازی	۳	۳	رد العجز علی الصدر
		مطرب	۱	۴	التزام
		متوازن	۶	۵	موازنه
۲	جناس	اشتقاق	۱		
		مردوف	۱		
		لاحق	۱		

۶. فنون معنوی بدیعی به کار رفته در سوره بروج

از ۳۴ فن معنوی مدون در دو اثر خطیب، چهارده فن آن در سوره بروج به دفعات ذیل به کار رفته است.

۶.۱. طباق

«طباق» یا «مطابقه» که به آن، «تضاد» هم می‌گویند، در لغت به معنای منطبق بودن است و در اصل، از نهادن پا به جای دست در راه رفتن چهارپایان، گرفته شده است.

در علم بلاغت، به جمع میان دو معنای متضاد، «طباق» می‌گویند؛ یعنی، در سخن، میان چیزهایی که به‌گونه‌ای دارای تقابل هستند، جمع شود؛ خواه، این تقابل، حقیقی باشد یا اعتباری و خواه، یکی از اقسام تقابل در منطق باشد (تقابل تضاد، سلب و ایجاب، عدم و ملکه و تضایف) یا شبیه آن؛ مانند جمع میان مرگ و زندگی، سردی و گرمی، روز و شب، سفیدی و سیاهی، زشت و زیبا، نیک و بد، غم و شادی، تلخ و شیرین، دوست و دشمن، سست و سخت و مانند آن.

استفاده از طباق، تناسبی ایجاد می‌کند که بر زیبایی و لطافت سخن و روشنگری آن می‌افزاید، زیرا همراه هر معنی، ضد آن در ذهن تداعی می‌شود و کاربرد معانی متضاد، تمام جوانب مطلب را آشکار می‌سازد. قرآن کریم، اسلوب طباق را فراوان، به کار می‌برد. برای نمونه در آیات سوره مبارکه فاطر، فن طباق به کار رفته است:

(وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْواتُ). (فاطر: ۲۲-۱۹)

فن طباق در سوره مبارکه بروج، به کار رفته است و پنج مورد می‌باشد. (تفتازانی، ۱۳۸۶: ۲۵۷)

۱. شاهد/مشهود، در آیه سوم؛

۲. سماوات/ارض، در آیه نهم؛

۳. فتنوا/عملوا الصالحات، در آیه دهم و یازدهم؛

۴. جهنم/جنت، در آیه دهم و یازدهم؛

۵. یبدی/ یعید، در آیه سیزدهم.

۶. ۲. مقابله

صنعت مقابله، آن است که دو یا چند معنای سازگار، در کلام یاد شود و سپس آنچه در برابر آن‌هاست، به ترتیب آورده شود. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۵۹) صنعت مقابله در سوره بروج در آیه ۱۰ و ۱۱ به کار رفته است. در آیه ۱۰ چند معنای سازگار ذکر شده است و سپس در آیه ۱۱ معنای مقابل آن‌ها بیان گردیده است:

(إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ * إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ). (بروج: ۱۰-۱۱)

۶. ۳. مراعات نظیر

مراعات نظیر آن است که کلمات به کار رفته در کلام، از نظر معنی با یکدیگر تناسب دارند؛ بدین گونه که همه داخل در یک مجموعه هستند که از جهت جنس، نوع، زمان، مکان، همراهی و... در یک راستا قرار دارند. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۶۱) صنعت مراعات نظیر در قرآن کریم به وفور به کار رفته است از جمله در سوره بروج در سه مورد مشهود است. در آیه اول، معنای کلمه «السماء» و معنای کلمه «البروج» تناسب ویژه دارند و در آیه دوم و سوم، معنای کلمات «یوم»، «موعود»، «شاهد» و «مشهود» با هم تناسب دارند و در آیه یازدهم، معنی کلمات «آمنوا»، «عملوا الصالحات»، «جنت»، «فوز الکبیر» و «تحت الانهار» باهم تناسب دارند.

۶. ۴. توریه

آوردن واژه‌ای با دو معنا که معنای دور از ذهن آن مورد نظر است «توریه» نامیده می‌شود. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۶۶) این صنعت در سوره بروج، در سه واژه «مشهود»، «فتنوا» و «وراء»، به کار گرفته شده است. (أ) معنای قریب به ذهن «مشهود»، انسان است، ولی معنای بعید به ذهن آن، «اعمال» است و در آیه (و شاهد و مشهود) (بروج: ۳) معنای بعید از ذهن مقصود است.



ب) معنای قریب به ذهن «فتنوا»، فتنه‌گری کردن است، ولی معنای بعید به ذهن آن، «شکنجه دادن» است که در آیه (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...) (بروج: ۱۰) قصد شده است.
 ج) معنای قریب «وراء» پشت سر است و معنای دورش، «دوری از همه جهت‌ها» است و در آیه (وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ). (بروج/۲۰) مقصود از وراء، معنای دوم است.

۵.۶. استطراد

برای «استطراد» تعاریف مختلفی بیان شده است. در کتاب «ایضاح» به تعریف زمخشری اشاره شده است؛ از نظر زمخشری، استطراد آن است که گوینده از مطلبی که در آن است خارج شود و در مطلبی که مرادش است و در ظاهر بی‌ارتباط و در واقع مرتبط به مطلب اول است، وارد شود و سپس به مطلب اول خود بازگردد. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۶۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۹۷)

مطابق این تعریف، در سوره «بروج» یک مورد استطراد وجود دارد. در آیه سیزدهم تا بیستم، ابتدا به مدح عظمت خداوند پرداخته شده و سپس هجو کافران مطرح شده است، پس از آن دو باره به مدح عظمت خداوند پرداخته شده است:

(إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ * وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ * ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ * فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ * هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ * بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ * وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ). (بروج/۱۳-۲۰)

۶.۶. مذهب کلامی

مذهب کلامی آن است که مدعی و مطلوب همراه با دلیل آن بیان شود. این روش، روش اهل کلام است، از این رو به چنین کلامی، «مذهب کلامی» گفته می‌شود. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۷۶)

از این صنعت در سوره بروج دو مورد وجود دارد؛ یکی در آیه نهم که مالک آسمان بودن، دلیل شاهد بودن خدا بر تمام اشیاء بیان شده است: (الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ). (بروج: ۹)

دیگری در آیه نوزدهم و بیستم که احاطه داشتن خداوند بر کفار دلیل اطلاع از تکذیب آن‌ها بیان شده است: (بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ * وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ). (بروج: ۲۰-۱۹)

۷.۶. تجرید

«تجرید»، آن است که به قصد مبالغه، صفتی از موصوفش جدا و به طور مستقل آورده شود. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۷۴؛ جرجانی، ۱۴۲۲ق: ۲۹۱) برای مثال در آیه (النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ) (فصلت: ۲۸) جهنم حاوی خان‌های جاویدان برای کافران شمرده شده است، در حالی که خود جهنم، خانه جاوید آنان است. از این صنعت در سوره بروج کار گرفته شده است؛ وصف جنود از فرعون و ثمود تجرید گردیده، به صورت مستقل ذکر شده است. سپس در تبیین آن، فرعون و ثمود بیان شده است: (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ). (بروج: ۱۷-۱۸)

۶.۸. جمع

«جمع» در اصطلاح علم بلاغت آن است که گوینده، دو یا چند مورد متعدّد را در یک ویژگی و حکم، مشترک قرار دهد. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۶۹) از این صنعت در سوره بروج، یکبار و در آیه ۱۸ استفاده شده است: (فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ). (بروج: ۱۸) اشتراک فرعون و ثمود در لشکر داشتن است که در آیه قبل بیان شده است.

۶.۹. مبالغه مقبوله

مبالغه را برخی از دانشمندان بلاغت مانند سیوطی از آرایه‌های بدیعی شمرده‌اند و آن عبارت است از اینکه یک صفت و ویژگی طوری در کلام در شدت و یا ضعف به کار برده شود که دور از ذهن و محال به نظر برسد. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۷۵) مطابق این تعریف، فن مبالغه در آیه ششم سوره بروج وجود دارد: (إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ). (بروج: ۶) آن‌گاه که آنان بالای آتش نشسته بودند. تعبیر آیه این است که آنان بالای آتش نشسته‌اند و چنین چیزی بعید به نظر می‌رسد، ولی مقصود نزدیک بودن به آتش و رؤیت عینی سوختن مؤمنان است. شنقیطی در اضواء البیان در توضیح این آیه می‌نویسد: «و هذا زیادة فی التبیکیة بهم، إذ یرون هذا المظهر بأعینهم و لم یشفقوا بهم و لم یعتبروا بثباتهم». (شنقیطی، ۱۴۲۷: ۸۴/۹)

۶.۱۰. مدح شبیه به ذم

مدح شبیه ذم، آنکه گوینده مطلبی را بیاورد که در ابتدا با خواندن بخش اول نگوشت به نظر آید، اما با خواندن ادامه سخن معلوم می‌شود که مقصود مدح بوده است. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۸۱) این صنعت در آیه هشتم سوره بروج به کار رفته است: (وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ). (بروج: ۸) آنان هیچ ایرادی به مومنان نداشتند، جز آنکه به خدای عزیز و حمید ایمان آورده بودند. (قرآنی، ۱۳۸۳: ۴۳۴/۱۰) شنقیطی در «اضواء البیان» در مورد این آیه می‌نویسد: «هذا ما یسمى أسلوب المدح بما یشبه الذم». (شنقیطی، ۱۴۲۷: ۸۴/۹)

۶.۱۱. تجاهل عارف

تجاهل عارف این است که گوینده آنچه را که حقیقتاً می‌داند، بپرسد و خود را به جهت نکاتی مانند مدح، ذم، توبیخ، تقریر و... به تجاهل بزند. (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۸۵) نام دیگر این صنعت «سوق المعلوم مساق غیره» است که تادباً در خصوص قرآن، بیشتر از این اصطلاح استفاده می‌شود. این فن در سوره بروج یکبار به کار رفته است و نکته کاربردش تقریر است: (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ). (بروج: ۱۷)

۶.۱۲. تشابه الاطراف

تشابه الاطراف آن است که در پایان کلام مطلبی آورده شود که با صدر کلام مناسب باشد. صنعت تشابه الاطراف در سوره بروج در دو آیه به کار رفته است. در آیه دهم: (إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ). (بروج: ۱۰) کلمه عذاب الحریق که در پایان آیه آمده با کلمه قتلوا در صدر آیه تناسب دارد و در آیه یازدهم: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ



تَحْتَهَا الْآنَ هَارُ ذَلِكَ الْفَوْزِ الْكَبِيرِ). (بروج: ۱۱) کلمه «فوز الکبیر»، مذکور در پایان آیه با کلمه «آمنوا» در صدر آیه مناسبت دارد.

۶. ۱۳. تلمیح

«تلمیح» در اصطلاح علم بدیع آن است که در خلال کلام (نظم یا نثر) به یک داستان یا شعر تنها اشاره شود بدون آنکه ذکر آن‌ها به میان آید. (خطیب، ۲۰۱۰م: ۵۸۷) از فن تلمیح در سوره بروج دو بار؛ یکی در آیه ۴: (قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ) و دیگری در آیه ۲۰: (فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ) استفاده شده است.

۶. ۱۴. التفتات

«التفتات» عبارت از انتقال کلام از اسلوبی به اسلوب دیگر می‌باشد. التفتات شش نوع است؛ التفتات از تکلم به خطاب، التفتات از تکلم به غیبت، التفتات از خطاب به تکلم، التفتات از خطاب به غیبت، التفتات از غیبت به تکلم و التفتات از غیبت به خطاب.

صنعت التفتات در سوره بروج دو بار به کار گرفته شده است و در هر دو مورد، التفتات از نوع التفتات از خطاب به غیبت می‌باشد. التفتات مورد اول در آیه ۱۲ و ۱۳: (إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ * إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ). (بروج: ۱۲-۱۳) و مورد دوم در آیه ۱۷ و ۱۹: (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ * بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ). (بروج: ۱۷-۱۹) است.

لازم به تذکر است که خطیب، فن التفتات را پیرامون مبحث سکاکی در مباحث علم معانی توضیح داده است.

جدول (۲): تعداد فنون معنوی بدیعی در سوره بروج					
رقم	نام صنعت	ت. کاربرد	رقم	نام صنعت	ت. کاربرد
۱	طباق	۵	۸	جمع	۱
۲	مقابله	۱	۹	مبالغه مقبوله	۱
۳	مراعات نظیر	۳	۱۰	مدح شبیه به ذم	۱
۴	توریه	۳	۱۱	تجاهل عارف	۱
۵	استطراد	۱	۱۲	تشابه الاطراف	۲
۶	مذهب کلامی	۲	۱۳	تلمیح	۲
۷	تجريد	۱	۱۴	التفتات	۲

نتیجه‌گیری

بر اساس ارقام مندرج در جدول شماره ۱ و ۲، که یافته‌های پژوهش است، فنون بدیعی با توجه به چهل فن مدون در دو کتاب «الایضاح» و «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی، نوزده فن بدیعی، پنج فن لفظی بدیعی و چهارده فن معنوی بدیعی در آیات سوره بروج مشهود است. نسبت کار برد، صناعات لفظی بدیعی در این سوره از صناعات معنوی بدیعی، بیشتر می‌باشد.

پرکاربردترین صنعت از میان تمام صنایع بدیعی در این سوره، دو صنعت، فاصله و طباق به ترتیب است، زیرا این سوره از صنعت فاصله، ده مورد و از صنعت طباق، پنج مورد بهره‌مند است. پس از دو صنعت فاصله و طباق سه صنعت جناس، مراعات نظیر و توریه هرکدام سه بار به کار رفته است. چهار صنعت التزام، تشابه الاطراف، تلمیح و التفات هرکدام دو بار در این سوره به کار رفته است. ده صنعت دیگر هر کدام یک بار به کار رفته است. بهره‌مندی سوره بروج که شامل ۲۲ آیه نسبتاً کوتاه می‌باشد، از این همه فنون بدیعی که زیبایی عجیبی را در آن متجلی نموده است، خود یکی از نشانه‌های اعجاز بیانی، این کلام آسمانی و وحیانی است.



منابع

- ابن خلدون عبدالرحمن (۲۰۰۴م)، المقدمة، دمشق: داريعرب.
- تفتازانی سعد الدين (۱۳۸۶)، شرح المختصر، قم: اسماعيليان.
- جرجانی عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۲۲ق)، اسرار البلاغه، بيروت: دارالكتب العلمية.
- جرجانی عبدالقاهر بن عبدالرحمن (۱۴۲۲ق)، دلائل الاعجاز في علم المعاني، بيروت: دارالكتب العلمية.
- خرقانی حسن (۱۳۷۵)، «بدیع در آيينه قرآن»، نشریه علوم و معارف قرآنی، ش ۲.
- خطیب قزوینی محمد ابن عبدالرحمن (۱۳۹۳)، تلخیص المفتاح، بيروت: دارالكتب العلمية.
- خطیب قزوینی، محمد ابن عبدالرحمن (۱۴۲۴ق)، الايضاح في علوم البلاغه، بيروت: دارالكتب العلمية.
- خفاجی، ابن سنان (۲۰۱۰)، سرفصاحه، بيروت: دار الكتب العلمية.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الكشف عن حقایق غوامض التنزيل...، بيروت: دارالكتاب العربی.
- شنقیطی، محمدامین (۱۴۲۷ق)، أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن، بيروت: دار الكتب العلمية.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
- هادیلو و همکاران (۱۳۹۳)، «سبک شناسی محسنات معنوی در سوره نساء»، نشریه عیون، ش ۱.
- هوشمند اسفندیارپور (۱۳۹۰)، «نمونه‌های لفظی بدیعی در قرآن»، فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ش ۲۹.
- یسانی حسن، مخمی الیاس (۱۳۹۴)، «نقش هنر سازه‌های بدیعی در تعجب برانگیزی مخاطب در سوره‌های مکی با تکیه بر نقد فرمالیسم روسی» (مطالعه موردی، سوره بروج و غاشیه)، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۳۶.